

سونیک

جوچہ تیغی

پارک سفید و
عمارت بازرگی

راف
تاویل و
سونیک

\$3.99US

کاور ب



Natalie Haines

فلین . توماس . ایتود الیورا . م.قلی زاده

SEGA®



داستان
ایان فلین

طراحی

آدام برایس توماس

رنگ آمیزی

لئوناردو ایتو د الیورا

دستیار ویراستار

بیکسی متیو

تولید

جوهانا ناتالی

حرف‌نگاری

اد دوکشایر

ویراستار

تیا چوک

ترجمه و ادیت

معین محمد قلی زاده

ادیت کاور و ادیتور دستیار

هومن هوشمند



کاور A

طراحی از آدام برایس توماس



کاور B

طراحی از ناتالی هینز



کاور RI

طراحی از ناتالی فوردین

بنابر ماده ۲۴ قانون حمایت از حقوق مؤلفین و مصنفین هرکس بدون اجازه ترجمه دیگری را به نام خود یا دیگری چاپ و پخش و نشر کند به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال محکوم خواهند شد.

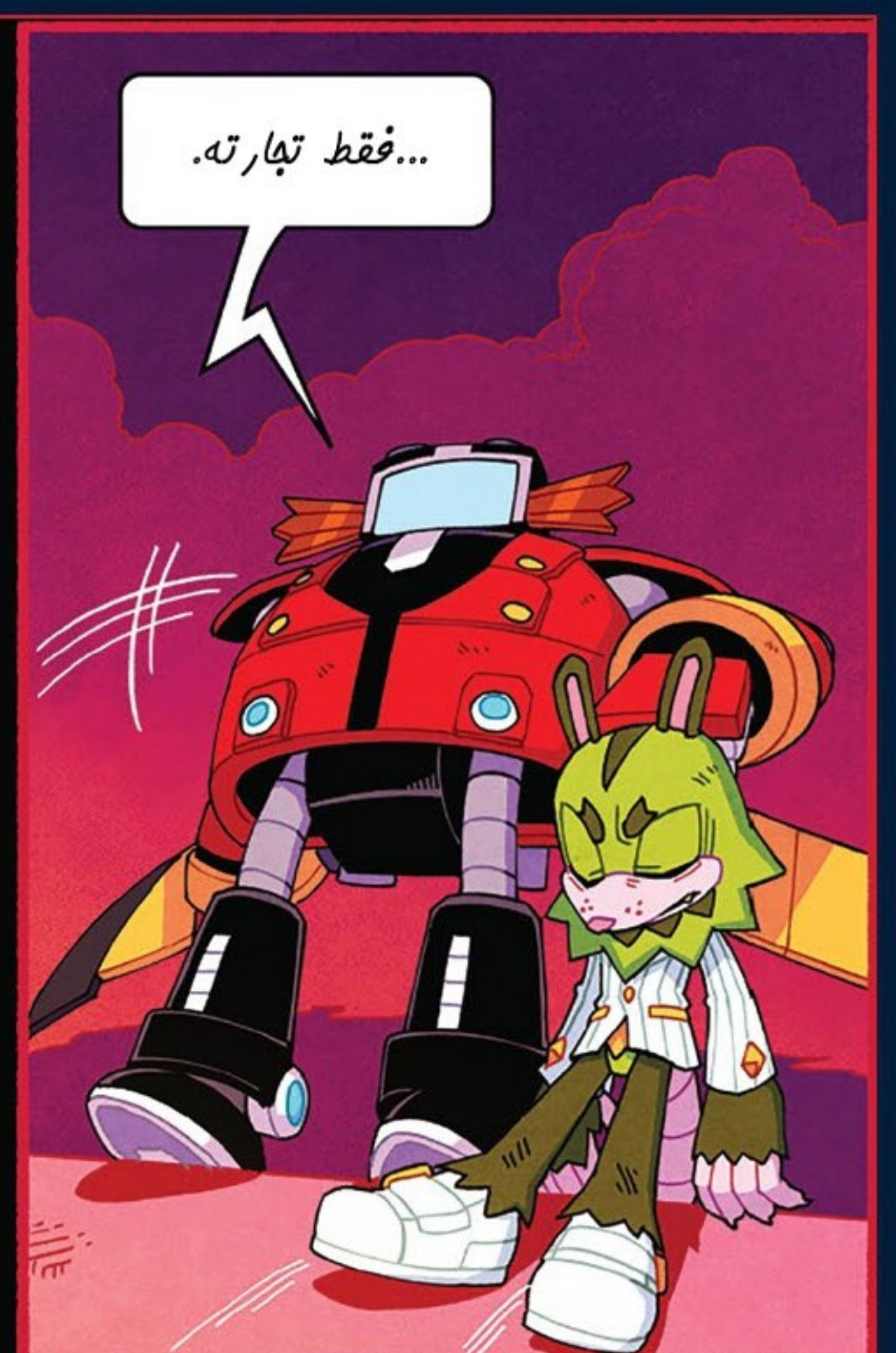
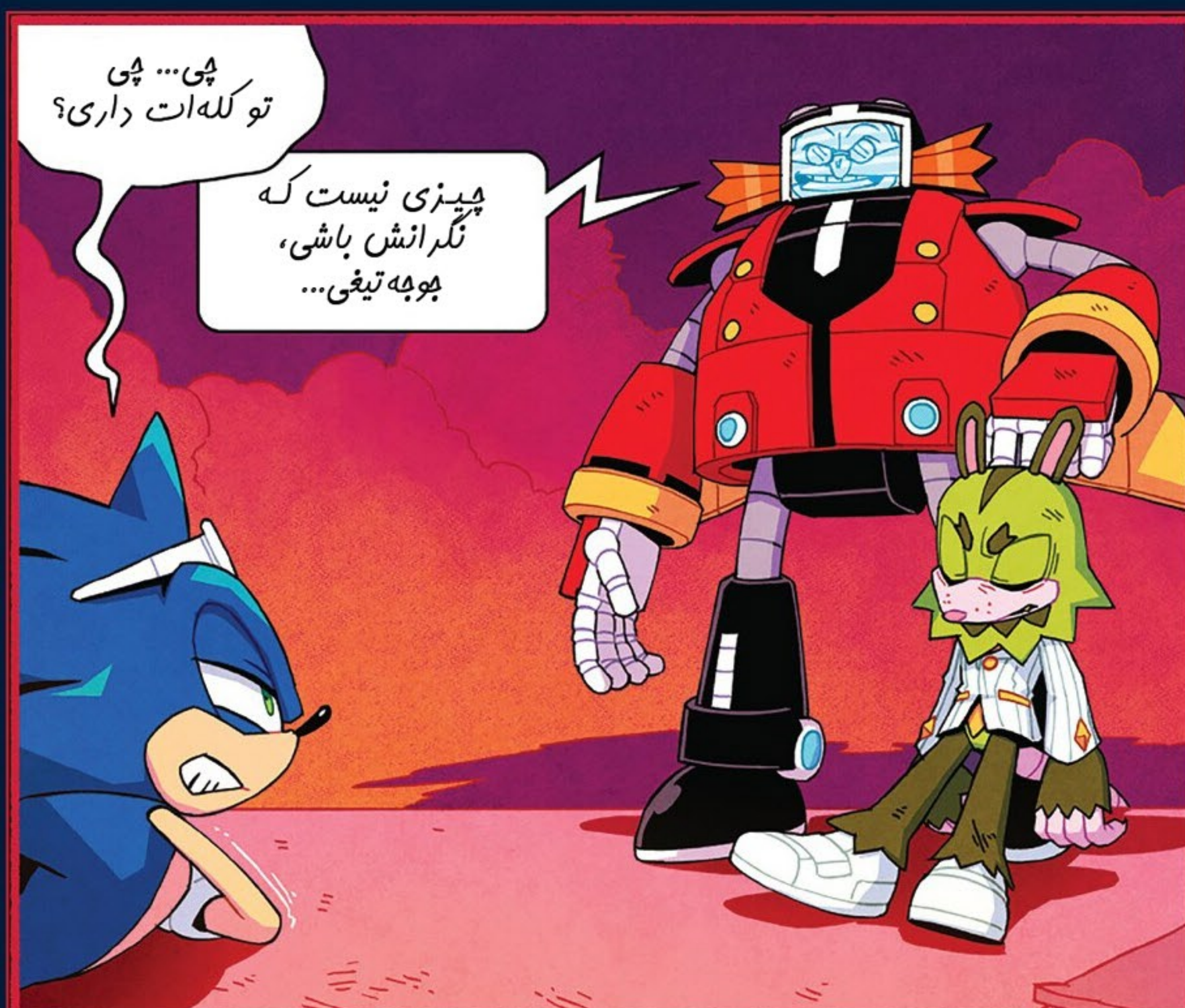


@IDWPUBLISHING
IDWPUBLISHING.COM



SONIC
Persian

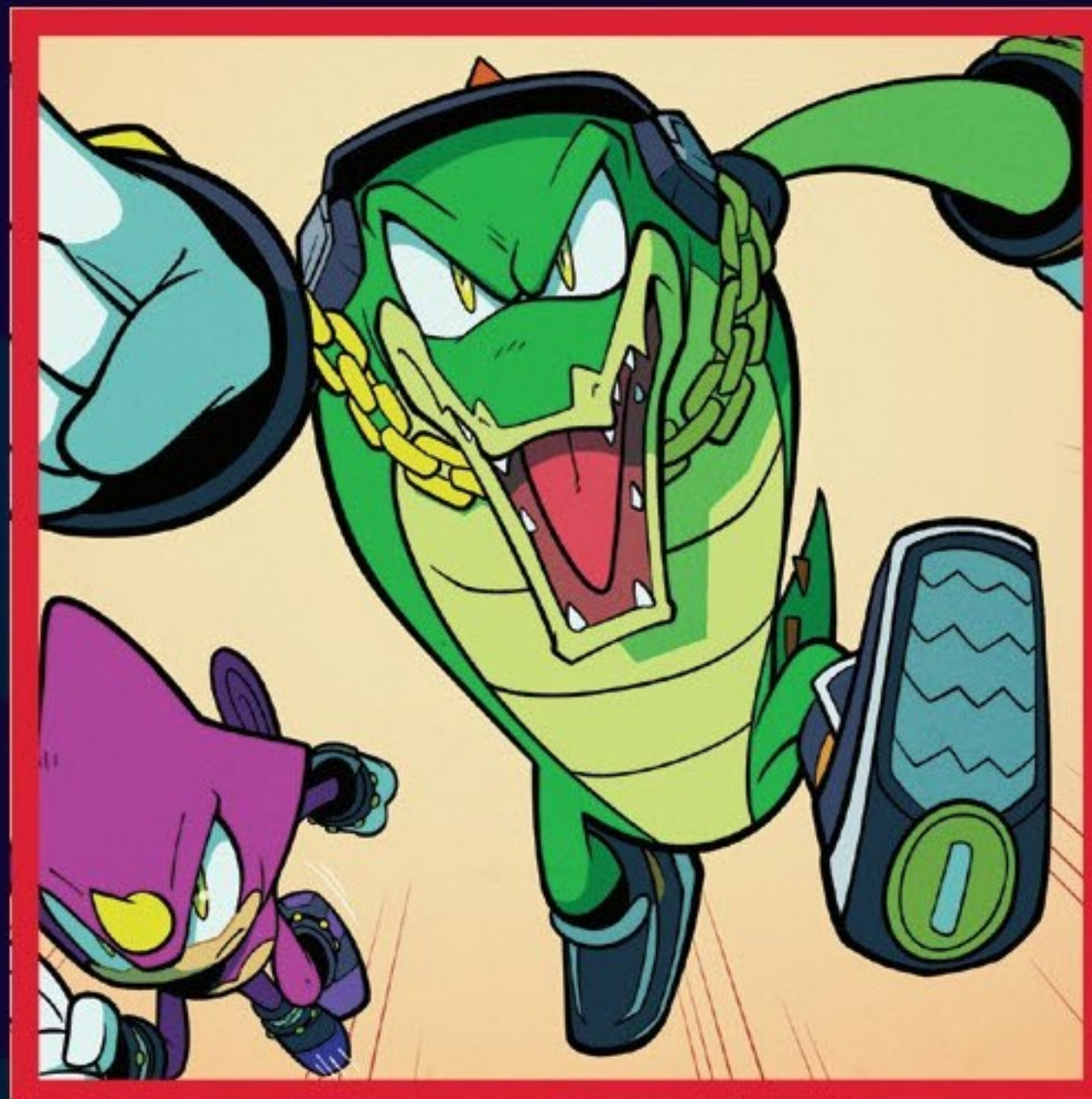
SONIC THE HEDGEHOG #77. MARCH 2025. ©SEGA. ALL RIGHTS RESERVED. SEGA IS REGISTERED IN THE U.S. PATENT AND TRADEMARK OFFICE. SEGA, THE SEGA LOGO AND SONIC THE HEDGEHOG ARE EITHER REGISTERED TRADEMARKS OR TRADEMARKS OF SEGA CORPORATION. IDW Publishing, a division of Idea and Design Works, LLC. Editorial offices: 14144 Ventura Blvd., Suite 210, Sherman Oaks, CA 91423. The IDW logo is registered in the U.S. Patent and Trademark Office. Any similarities to persons living or dead are purely coincidental. With the exception of artwork used for review purposes, none of the contents of this publication may be reprinted without the permission of Idea and Design Works, LLC. IDW Publishing does not read or accept unsolicited submissions of ideas, stories, or artwork. Davidi Jonas, CEO • Andrew DeBaker, CFO • Gregg Katz, General Counsel • Tara McCrillis, President Publishing Operations • Bobby Curnow, Editor in Chief • Aub Driver, VP Marketing • Gregg Katzman, Sr. Manager Public Relations • Warren Buchanan, Licensing Manager • Lauren LePera, Sr. Managing Editor • Shauna Monteforte, Sr. Director of Manufacturing Operations • Jamie Miller, Director Publishing Operations • Jasmine Gonzalez, Director Ecommerce Operations • Alison Quin, Sr Director IT • Ryan Balkam, Specialty Market Sales Manager • Nathan Widick, Director of Design • Neil Uyetake, Sr. Art Director, Design & Production • Ted Adams and Robbie Robbins, IDW Founders. For international rights, contact licensing@idwpublishing.com.





سونیک جوجه تیغی

آبی تیزیبا.
سریعترین موجود زنده.



وکتور کروکودیل

کارآگاه باحال.
رهبر کیاتیکس.



اسپیو آفتابپرست

نینجا، جاسوس، کارآگاه.
عضو کیاتیکس.



چارمی زنبور

کارآگاه پرانرژی.
عضو کیاتیکس.



کلاج ماریغ

قهرمان افسانه‌ای محروم مسابقات چاؤ.
جمع کننده فناوری اگمن.



دکتر اگمن

نابغه دیوانه.
شیفته تخم مرغ.



رسیدیم،
برو بچ! پاتوق قدیمی
کلاچ. عمارت پارک
سفید!

الحق که
جذاب به نظر
نمیاد...

نمی‌دونم، سونیک. واقعاً به نظرت اون تاجر
کلاهبردار مشکوک می‌دوئه برمی‌گرده اینجا
بعد از به آتیش کشیدن مقر اصلی
بازگردانی؟

هی! وکتورا! بیا
این هتل بوگندو قدیمی رو
دور بزنیم بریم شهر بازی!

می‌خوام همه
سواری‌ها رو سوار شم!
و همه بازی‌ها رو بازی
کنم! و همه غذاها رو
بخورم! و--

شرمنده، چارمی،
ولی الان وسط کاریم.
سازمان کارآگاهی کیاتیکس
هیچوقت دست رو دست نمیذاره
وقتی نوبت مشتری باشه!

این یه قانون
بی چون و چرا نه، بچه.
این دفعه مشتریمون
غرورمون هست!

راست میگی؟
پس مشتریمون واسه
این پرونده کیه؟

چه
مشتری تکراری
بدی هستش...





خیلی خب، همگی. یادتون باشه کجا پارک کردیم--هههه!



هی، اسپیو! ایندفعه نوبت توئه انعام متصدی پارکینگ رو بدی! آره؟ آره؟

به نظر می‌رسه مسیری که بهمن اومد رو پاک کردن و کلاچ کاخ رو به سری تعمیرات کرد، ولی چند وقتیته که دست نخورده.*

*جلدهای ۳۳ تا ۳۶-- مترجم.



فکر می‌کنی قرار بود بازگشایی کنه، ولی برنامه‌هاش رو پیچوند؟

تا وقتی جنابعالی درگیر استندآپ کمدی هستن، سونیک داره همه کارهای کارآگاهی رو می‌کنه.

حالا دیگه همه منتقد شدن...



ولی اون شاید به یه چیزی پی برده. شاید اینجا قرار بود پایگاه مرکزی کلاچ باشه. یا شایدم یه سرپوش برای برگشت بزرگش؟

نگاه! نگاه! تو پنجره!



یکی داره داخل تکون می‌خوره!



اون می‌تونه کلاچ باشه! بریم که بگیریمش، پسرا!





ای اوباش‌ترین
اراذل...



...به بهتر
از خودتون نگاه
کنید و خفیف و
خوار بشید.



بی‌اجازه
وارد شدید به ملک
**راف و
تامبیل!**



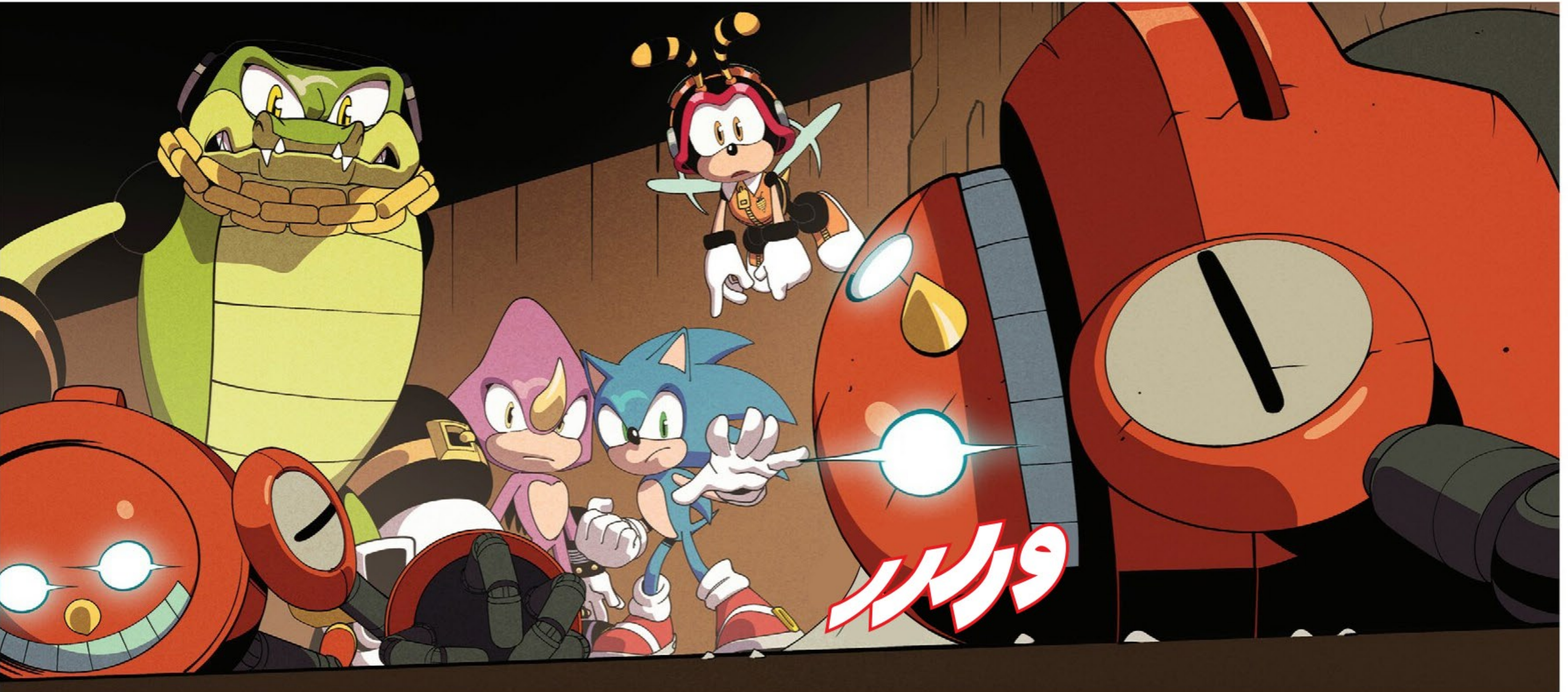
وزن شعرتون
داغونه! این یه توهین
به شعر و ادب بود!

ها! شما بچه‌ها
عوض میشید ولی بازم
اون کارتونو می‌کنید.
عاشقشم!

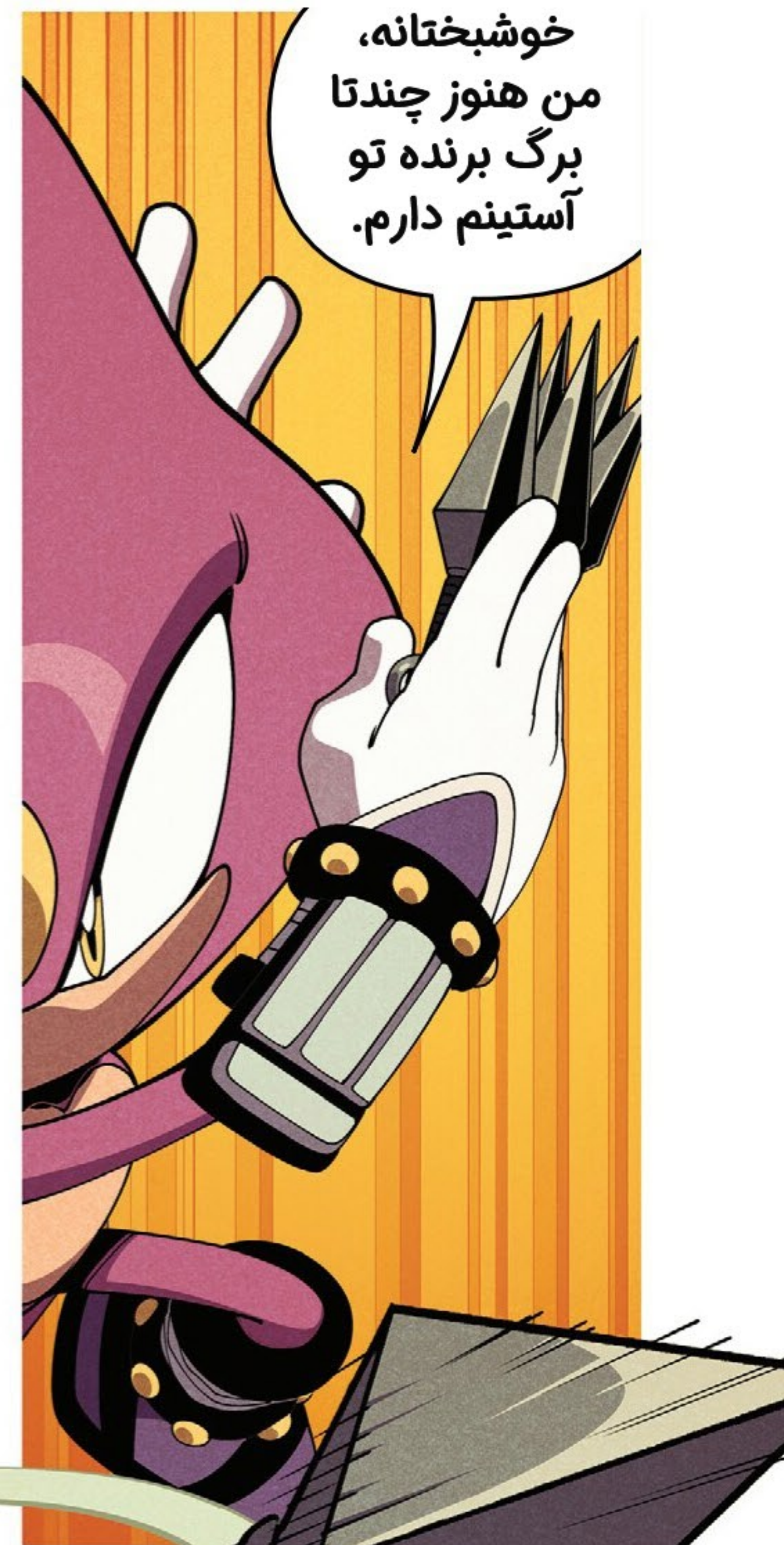
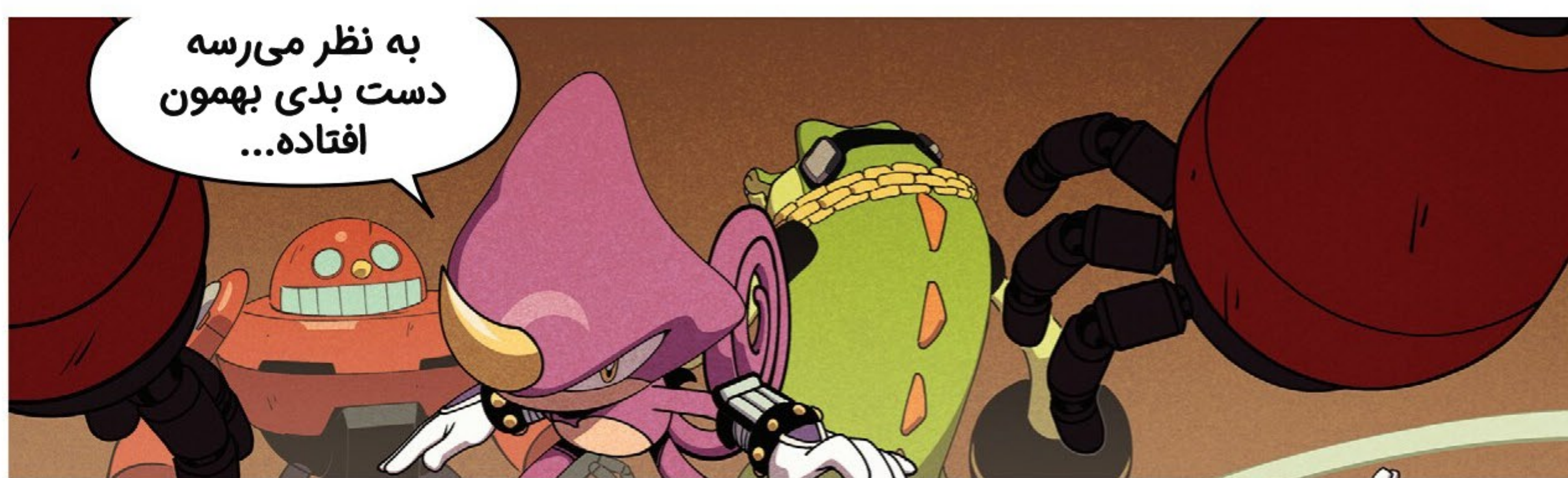


صیحیح،
بله. حالا بقیه رو داریم
که واسمون کتک زدنا رو
انجام بدن.

دینگ-
آ-پینگ



وای...





این یکی رو گرفتم!
چارمی! حمله
شیرجه‌ای بزن!



...چارمی؟



یه دقیقه!
اینجا مارپله هم دارن!
اونم با همه
قطعه‌هاش!

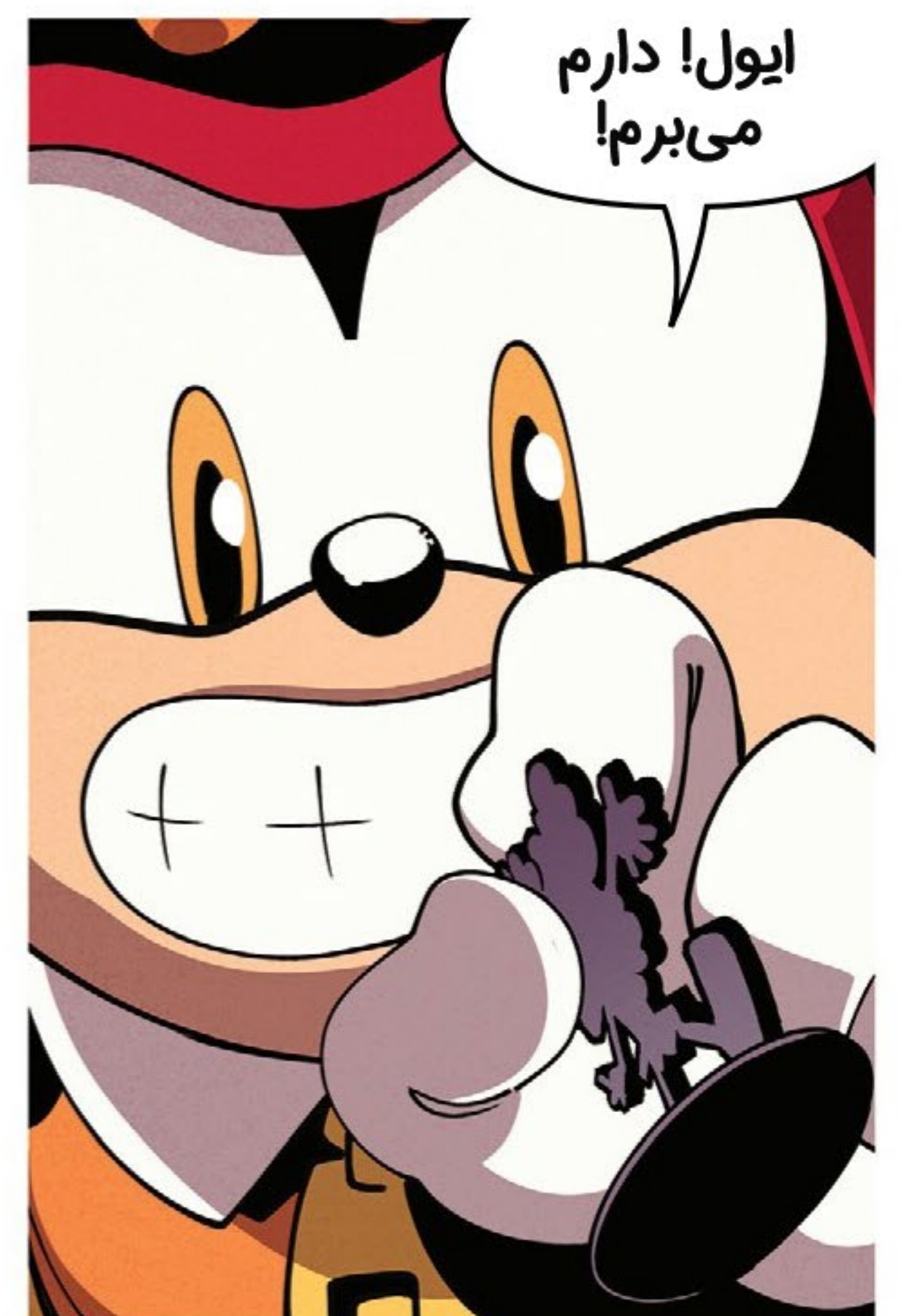


چارمی!
به خدا قسم
اگه نیای کمکم،
می‌گیرم--



برو بابا، اونا
فقط آگ پاون
هستن! ما همیشه
قراضشون
می‌کنیم!

اگه نتونم
سواری‌ها رو سوار شم،
یا خوراکی‌ها رو بخورم،
حداقل بازی‌ها رو
بازی می‌کنم!



ایول! دارم
می‌برم!





می بینید، این یکی خیلی بهت--

--ر بودا!



آی بخشکی! نخ-کش که نکردمش، کردم!؟



ما یه بار شکستون دادیم و زندونیتون کردیم!

بازم می تونیم اینکارو کنیم!*

*جلدهای #۷۰-#۷۵، آرک داستانی فانтом رایدر--مترجم.



نیاااههه!



جرئت نداری اینو پاره کنی! این جنشش صد درصد از سیبیل مصنوعی راکی هست!



... شما از اون دسته‌اید که حاضرید دست به کار بشید، یا خودتون و رخت و لباس بارزشتون زیادی خوبه واسه پاره شدن؟



... نمی‌تونیم هردو کارو بکنیم؟

منظور که... داشتم سعیمو می‌کردم، ولی...



نوپ! کافیه! تایم! استراحت!

دیگه داره احمقانه... میشه...



و منم فکر کردم شما دو تا بیخیال کارای بدتون شدید!

خودتون بهمون گفتید بعد از اینکه کلاچ ولتون کرد!



ما شدیم! ما الان دیگه تاجرهای کاردرستیم. منظور که... ما رو ببینید!

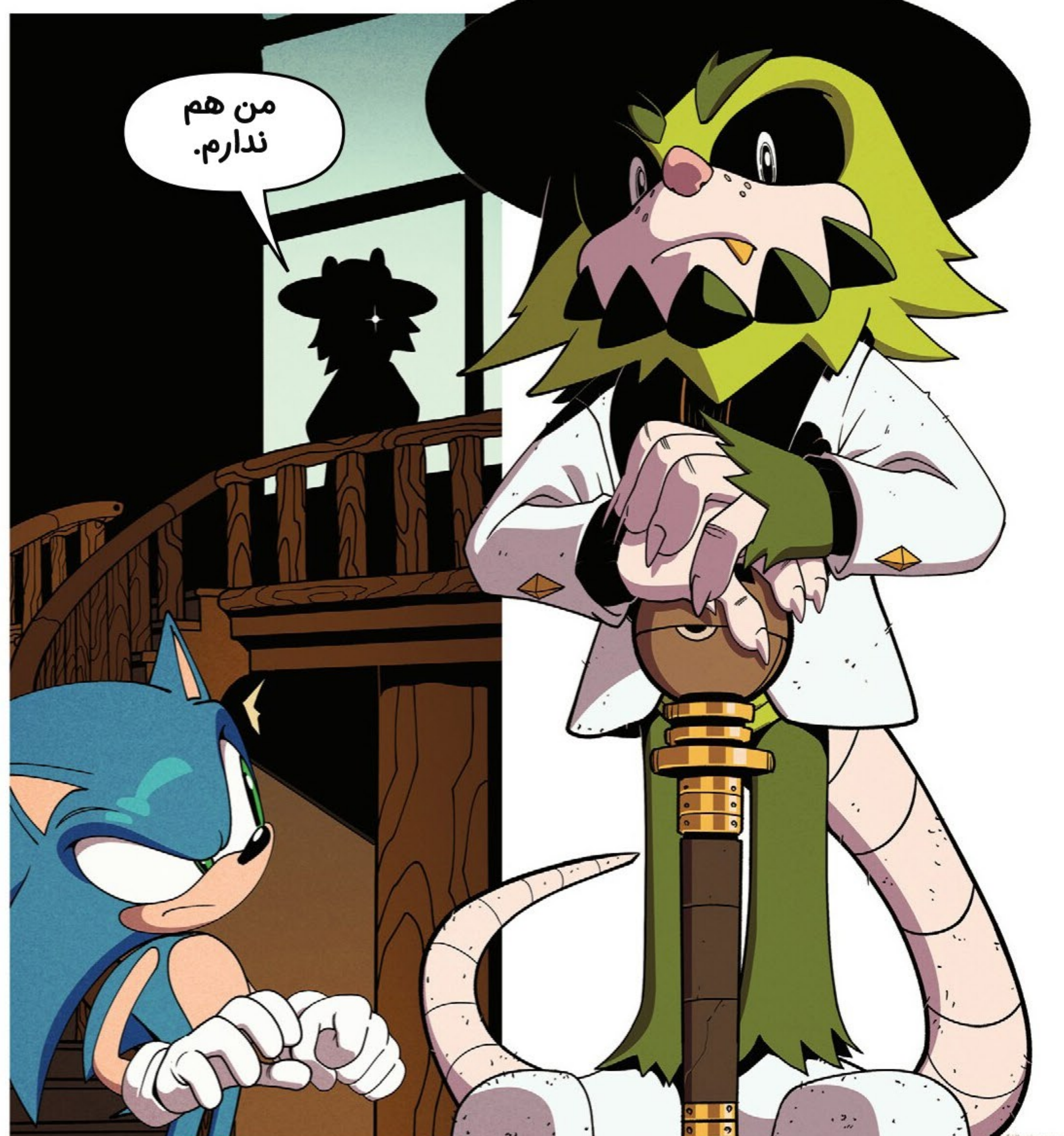
آره! حالا کلاچ برای ما کار می‌کنه!



اوه واوا! مبارک باشه!

چارمی، مضمون‌ها رو تشویق نکن. و اونو بذار سرجاش!

یا اعتراف کنید یا بجنگید. من حوصله این چرندیات رو ندارم.



من هم ندارم.



...آقای راف. آقای
تامبل. با اجازه شما از این
دردسرها پذیرایی می‌کنم و
مطمئن میشم از این بیشتر مزاحم
شماها نشن.

حدس می‌زنم
شما چهارتا دنبال
من هستید، پس...



بله، بله،
ما رو از این
دردسرها نجات
بده.

هر وقت
کارت تموم شد، اینجا
رو تمیز کن.



به
روی چشم،
آقایون.

از این طرف،
بچه‌ها.



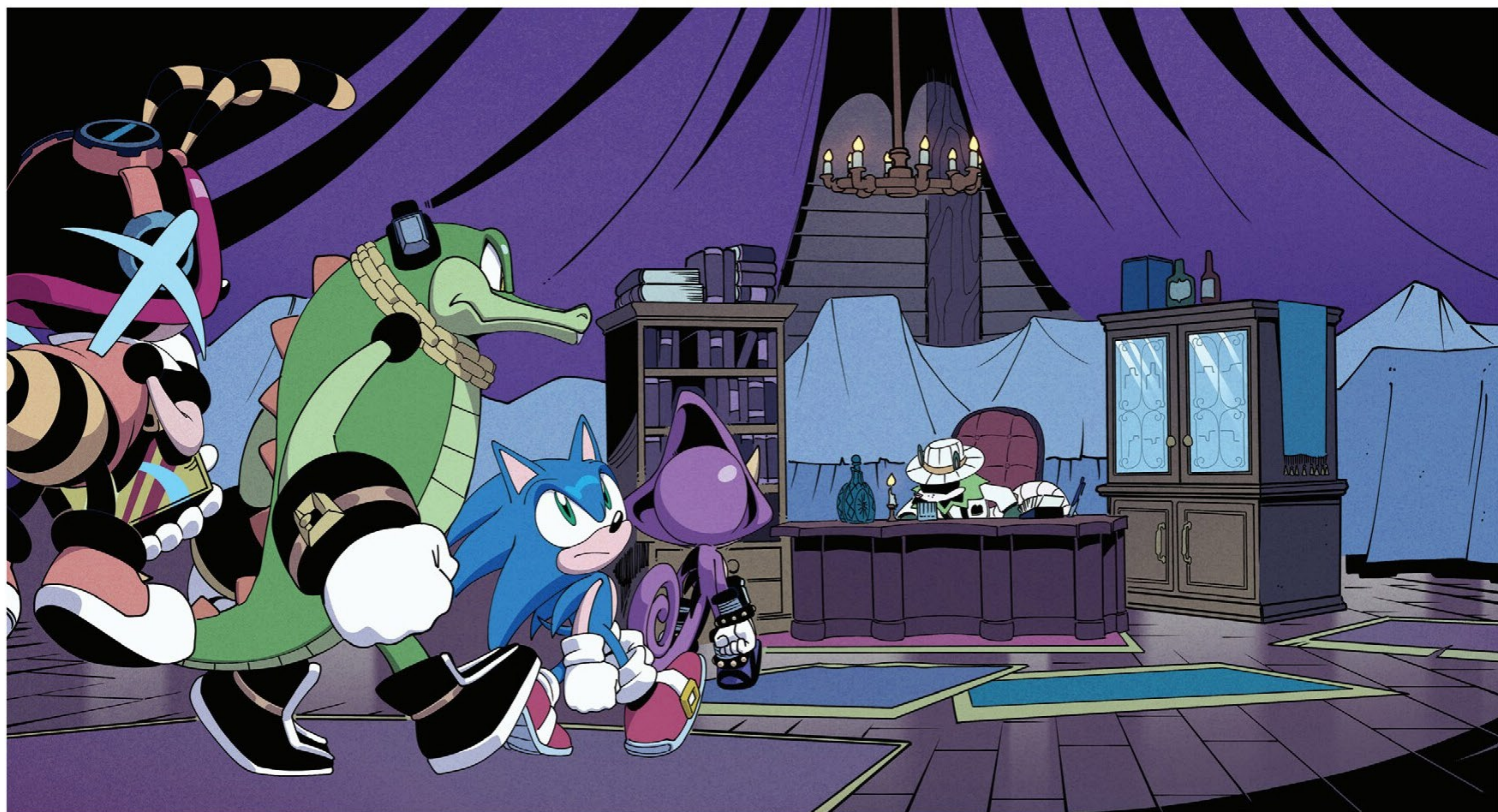
فکر می‌کنی این
یه تله باشه؟

ایده‌ای ندارم.
انقدر که عجیبه، دلم
می‌خواد ببینم چطور
پیش میره!

گفتم
بذارش سر
جاش!

تو
رییس من
نیستی!

خیلی هم
هستم!



شما امپراطوریم رو از کار انداختید، بازگشت بزرگم رو خراب کردید، در ملاء عام رسوا کردید، و منو دشمن دکتر اگمن کردید.



چیہ؟
داستان
هیجان انگیزتری
می‌خواستید؟

من با
جلوگیری از ضررهای
بیشتر تا اینجا تونستم
دووم بیارم!

اعتراف می‌کنم که
خودمو یکم زیادی دست بالا
گرفتم حین مسابقات
شست و روب، و بین منو
به چه روزی انداخت!

نه، من تنها کار عاقلانه
رو کردم اون موقع. فرار
کردم و قایم شدم.

هیچ شرمی
در انجام دادن کار
هوشمندانه نیست.

برگشتن به اولین جایی که
ما می‌گردیم "هوشمندانه"
هست به نظرت؟

عمارت سفید پناهگاه منه. نمی‌تونستید پیدام
کنید. من باهاتون رودرو شدم.

پس این یه
عقب نشینی تاکتیکی‌ئه
که بتونی نیروهات رو
جمع کنی و قویتر
برگردی!

وگرنه چه
دلیلی داره که هنوز فناوری‌های
دزدیده شده‌ی اگمن رو نگه داری و
اون نوجهات ادای کارفرماهای
جدیدت رو دربارن؟



محض رضای...
خیلی خوب.

بپایید!
الانه که دست
بیره به--



--یه تیکه کاغذ؟



این سند مالکیت عمارت پارک سفید
هست، امضا شده توسط راف و تامبل،
همینطور شرایط استخدامیم
حین مالکیتشون.



اونا اینجا
اومده بودن دنبال
تسویه حساب. منم با
خسارات تسویه کردم.



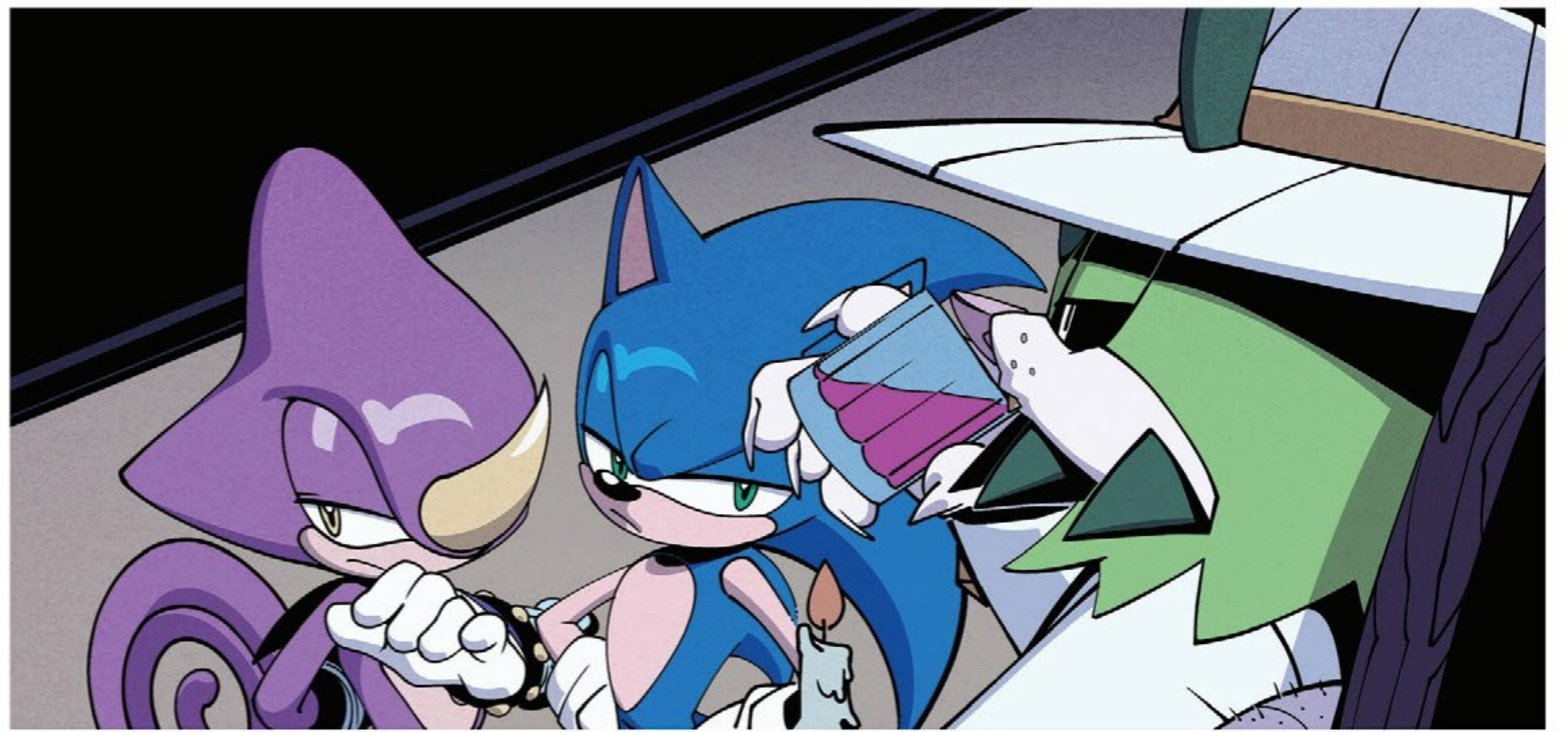
اون روباتها هم باقی
-مونده‌های انبارم هستن از اون
زمانی که فعالیت‌هام رو اینجا
پیش می‌بردم.

این توضیح
نمیده که چرا شرکت
شست و روب هنوز
در حال فعالیت‌ه!



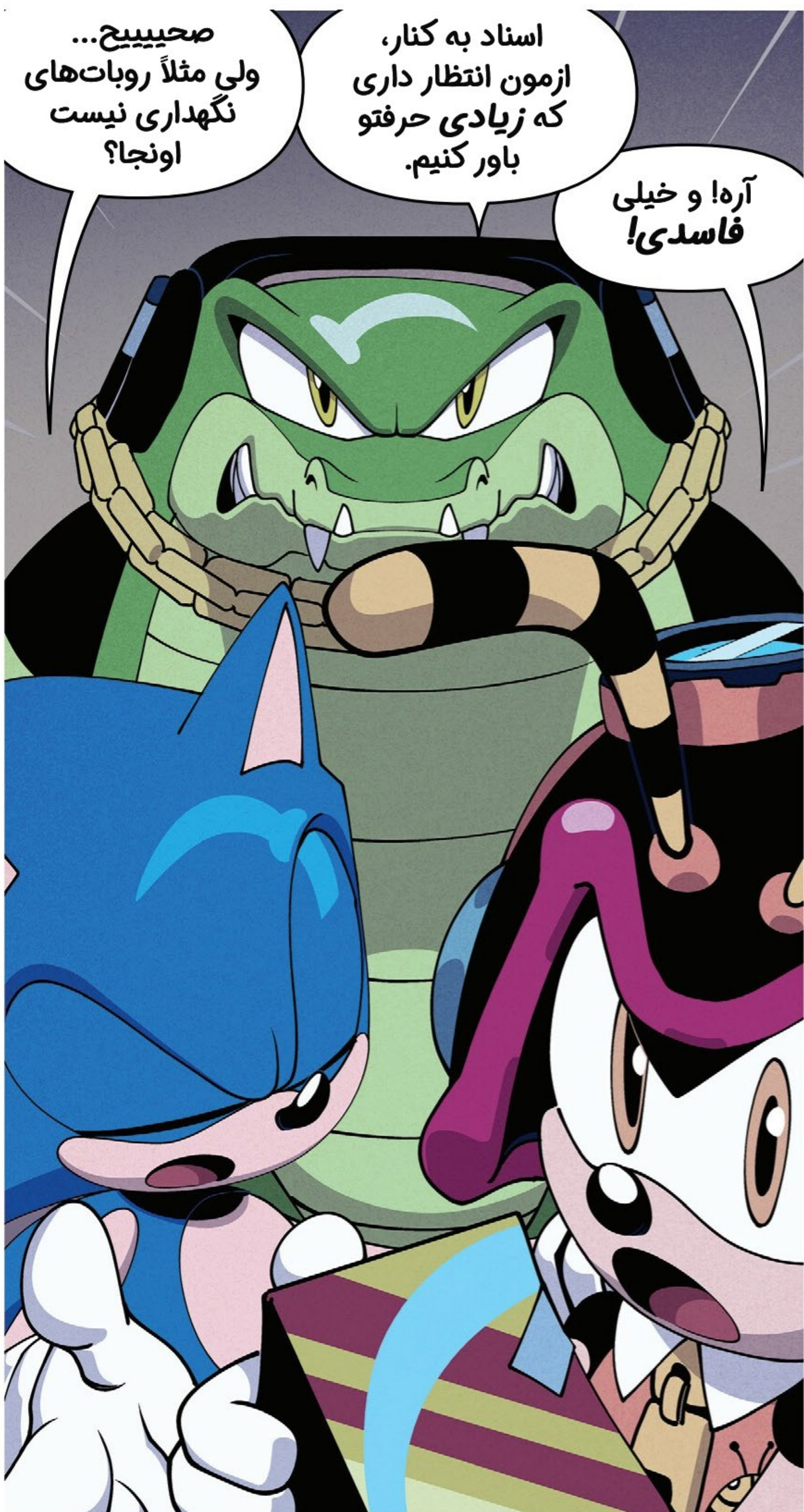
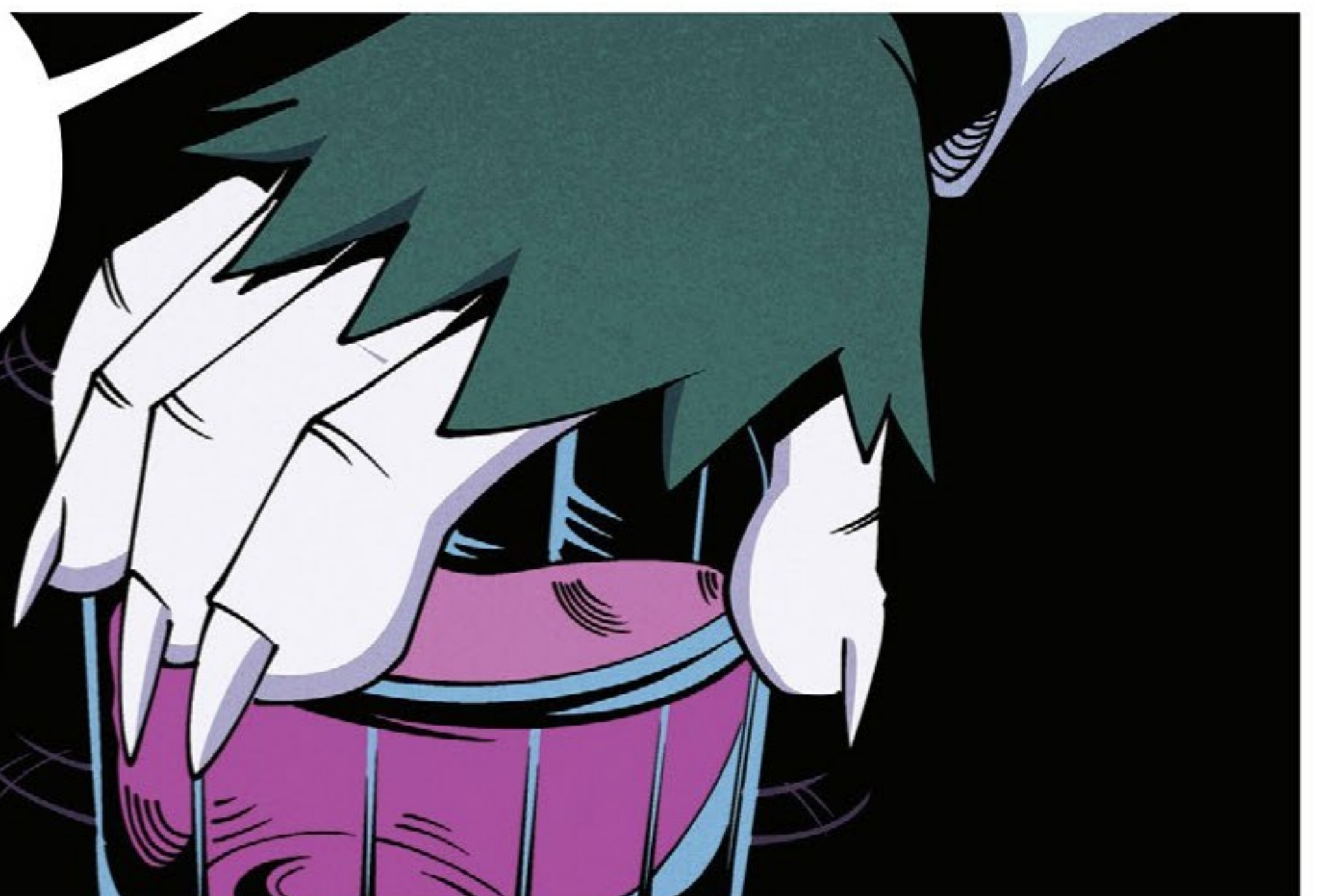
من سروکارم
با روباته.

اونا خودکارن.



و قبل از اینکه برسید--
اکثر نیروی کاری که زنده و
نفس کش بودن ترکم کردن
به محض اینکه لو رفتم.

بخش‌های
مکانیکی به فعالیت
خودشون ادامه میدن تا
وقتی که از کار بیفتن
بر اثر بی‌توجهی.



صحبییح...
ولی مثلاً روبات‌های
نگهداری نیست
اونجا؟

اسناد به کنار،
ازمون انتظار داری
که زیادی حرفتو
باور کنیم.

آره! و خیلی
فاسدی!



پس این خط
و این نشون، پسرا. من یه
پیرمردم. سعی داشتم به بازی
برگردم، و شماها حسابی از
خجالتم درآوردید.

**شما بُردید.
تموم شد.**





وای! این
عالیه! ما باید همیشه
آدم بدا رو مجبور کنیم
چیز میز بهمون بدن!

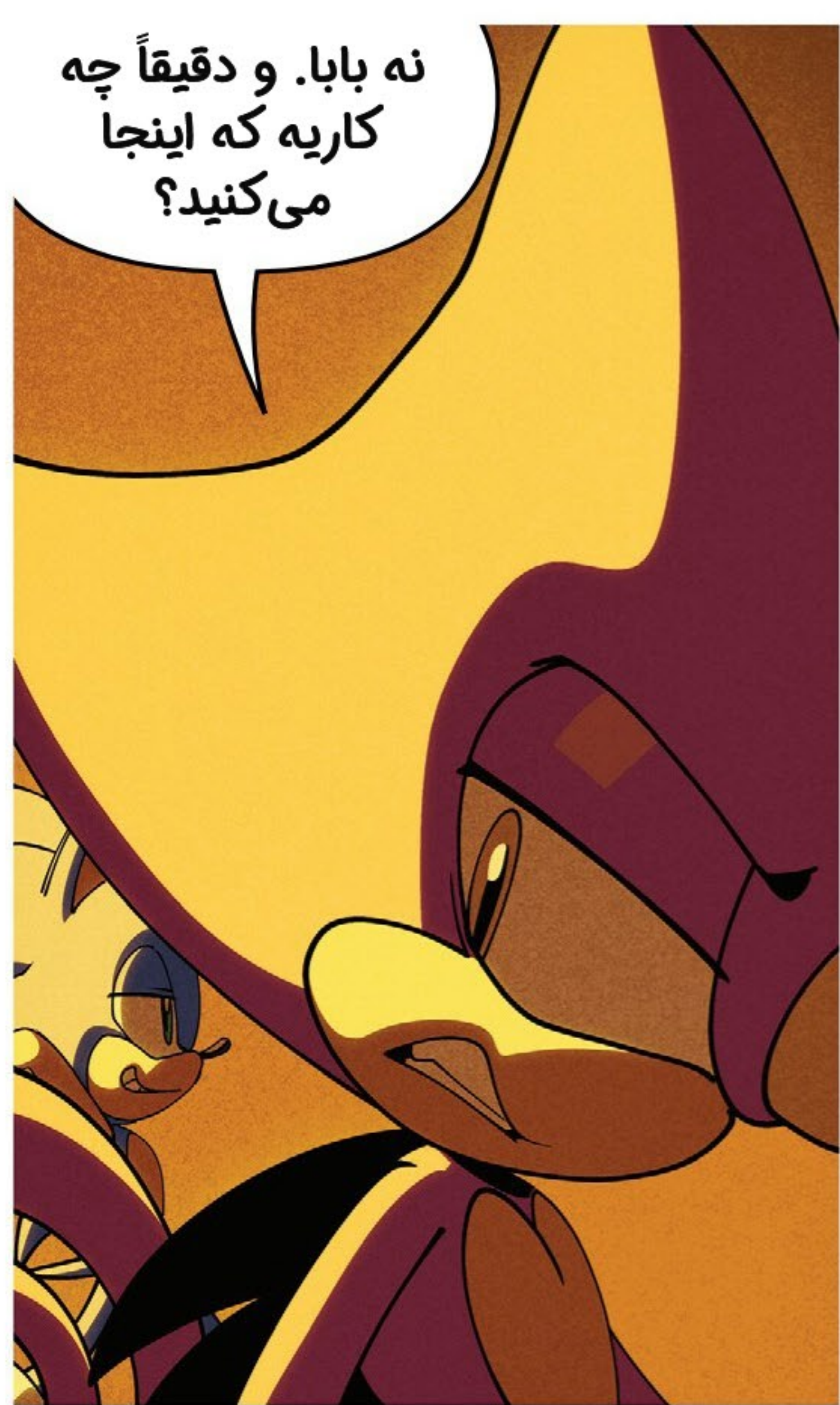
چارمی...
بهش میگن
اخاذی...



شرمنده عصر دل انگیزتون رو خراب کردیم،
آقایون! میذاریم به کارتون برگردید.

همف! پس یکم
ادب سرت میشه!

حالا پیشته!
کلی کار داریم تا اینجا
رو راه ببریم.



نه بابا. و دقیقاً چه
کاریه که اینجا
میکنید؟



مایه دار زندگی می کنیم! هر چی
عشقمون بکشه می خوریم! هر
کاری بخوایم می کنیم!

آره! اون پیری
هر چی که ازش بخوایم
رو برامون تأمین می کنه!



کور نیستم، می بینم. منظورم اینه
که چجور تجارتي اینجا
به راه کردید؟



تجارت
راه بردن؟

مثل یه
جور شغله؟



استخدام می کنید؟
از سبکتون خوشم
اومده!

تو همین الانش
توی سازمان هستی، بچه.



پس... گمونم
تموم شد؟ اون یه پیرمرد
بخت برگشته ست که به
سزای اعمالش رسید؟

شاید.
هنوز مطمئن
نیستم باورش
کنم...



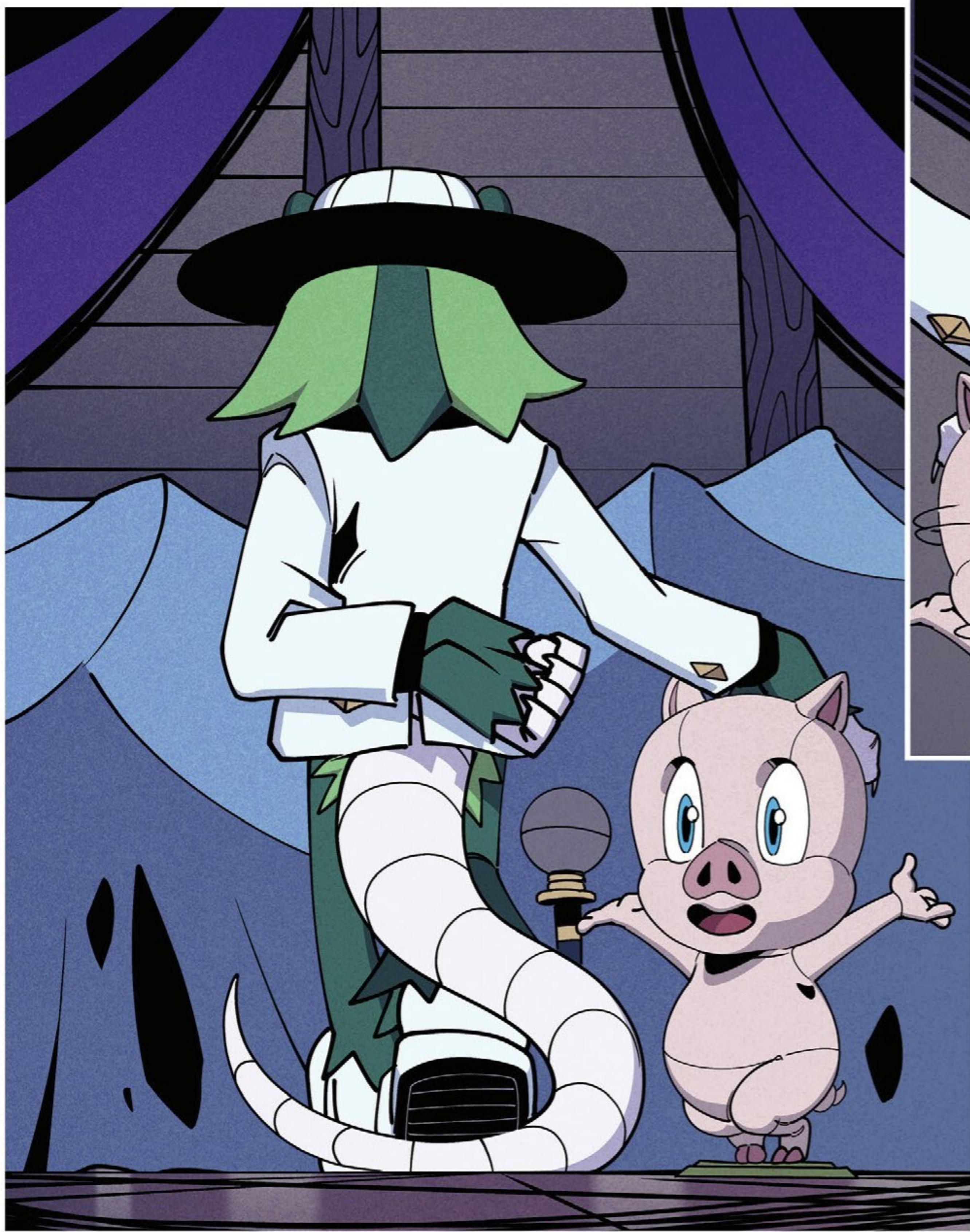
چاره‌ای نیست جز اینکه کارخونه‌ای که آدرسشو
بهمون داد رو بررسی کنیم. اگه نقشه بزرگتری داره
می‌کشه، سخت میشه مخفیش کرد.

بریم به یه پایگاه
مشکوک پر از روبات
-های اگمن؟



تفریح سالمی
به نظر می‌ادا!





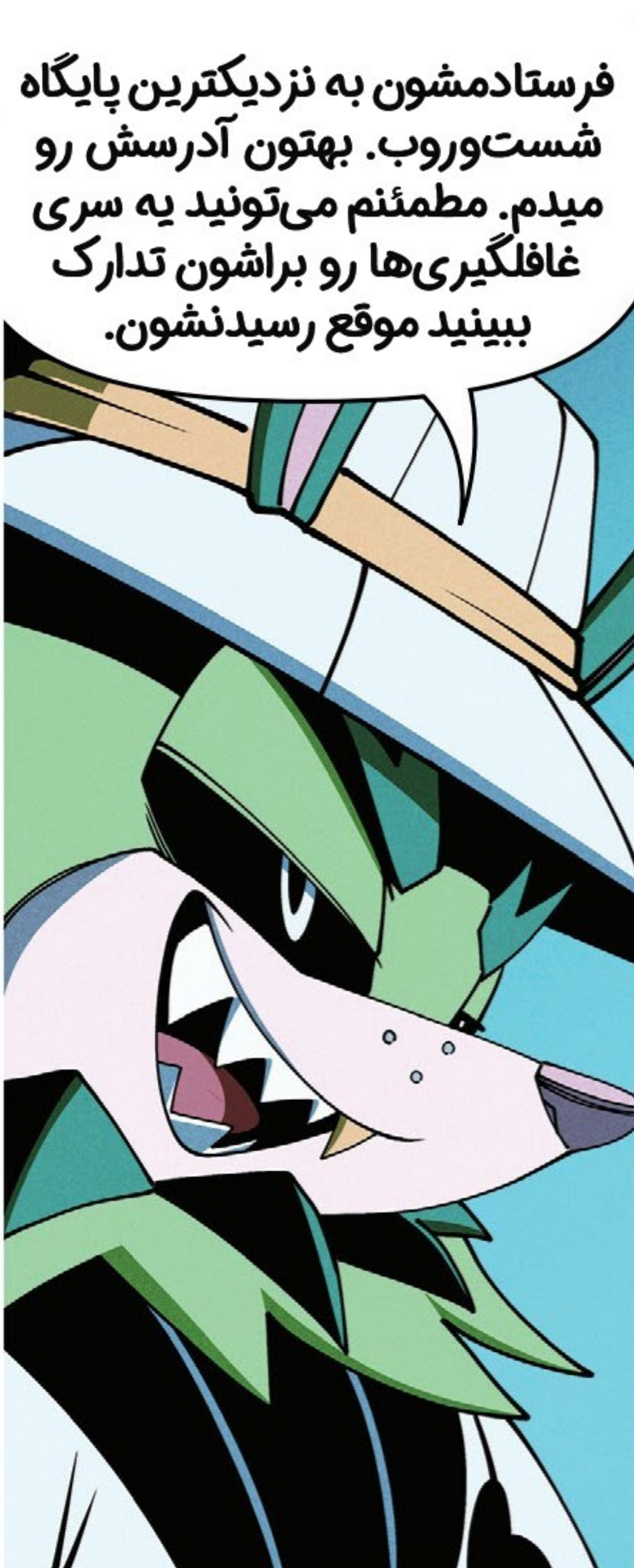


پوپوپ
کاسه کاسه

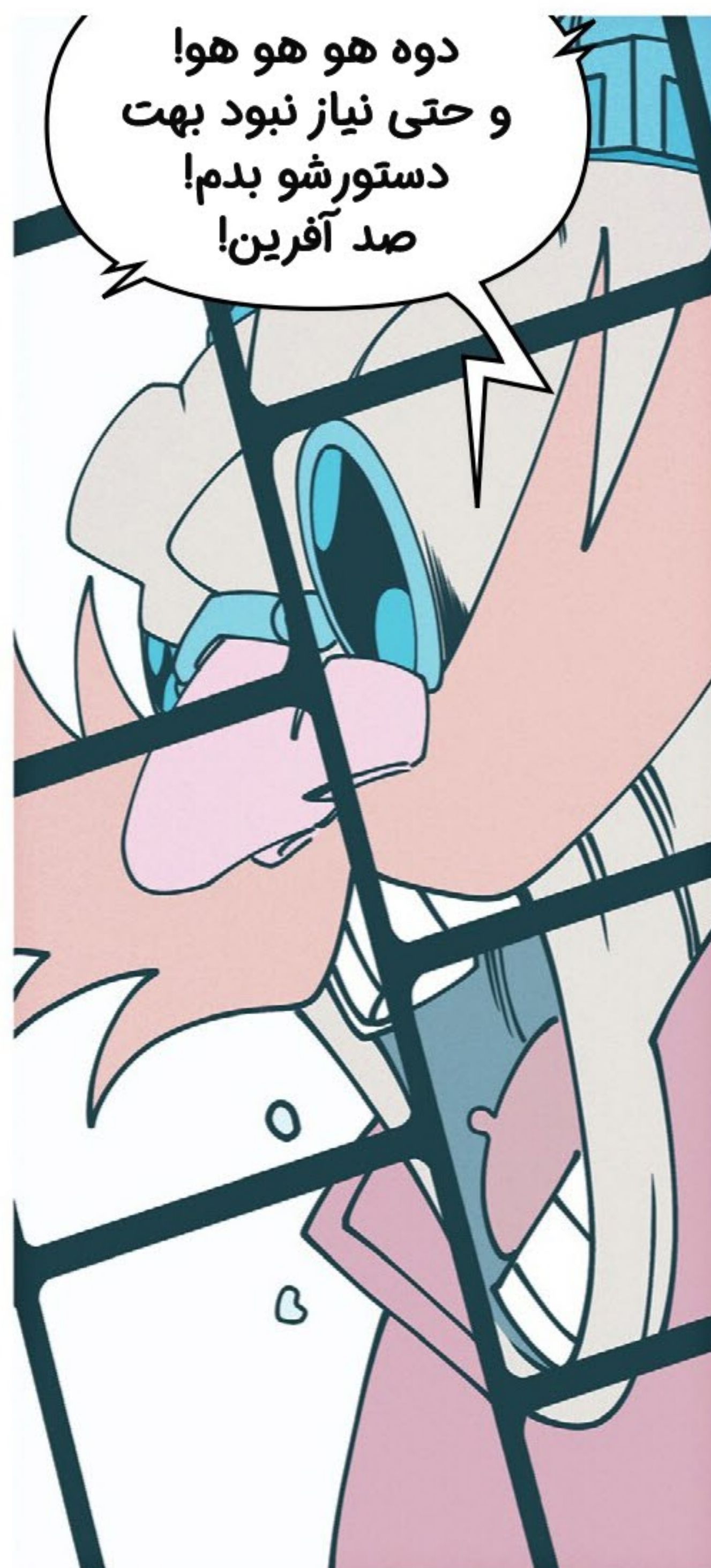
بهره
چیز خوبی
باشه، کلاج.

بخشید که
مزاحمتون شدم،
دکتر اگمن.

فقط فکر
کردم شاید بخواید اینو
بدونید که سونیک و سازمان
کارآگاهی کیاتیکس اومدن سر
زدن، و سوال پرسیدن.



فرستادمشون به نزدیکترین پایگاه
شست و روب. بهتون آدرسش رو
میدم. مطمئنم میتونید یه سری
غافلگیری‌ها رو براشون تدارک
ببینید موقع رسیدنشون.



دوه هو هو هو!
و حتی نیاز نبود بهت
دستور شو بدم!
صد آفرین!



چی باز بهشون گفتی؟

چیز عاقبت‌داری
نگفتم. وضعیت رو
به دست گرفتم.



اصرار
می‌کنم.



بهشون دروغ
گفتم. اونا خبر ندارن که
شرکت شست و روب حالا سرپوشی
هست برای امپراطوری اگمن، یا
اینکه شما از ضایعات خودتون دارید
سود می‌برید.

مرخصی--فعلاً. پس به نظر
می‌رسه فکر خوبی بود که تو رو
پیش خودم نگه داشتم.

خیلی خوبه،
مییه-هه-هه-هه.
هیچوقت اهل بازیافت
نبودم، ولی مفید بود
تا الان.

به قولی، چیزی که
خوار آید روزی به کار
آید، درست می‌گم؟ این
شعار خودت نبود؟

**هاها
هاها!**



تیلز، ایچی و بلیز،
در کنار هم همراه با
سرج و کیت؟!

قسمت
بعد!



طراحی آدام برایس توماس



طراحی ناتالی هینز



طراحی ناتالی فوردرین